

هو العليم

منازعه محمد بن حنفیه با حضرت سجّاد علیه السلام در امر امامت

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

امامت و ولایت، حقیقت و واقعیتی است عالی و راقی که حاصل نشود **(حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ)** گویا خیال کرده‌اند که فرزند امیرالمؤمنین بودن و صرف داشتن حسب و نسب، حیازت مقام ولایت و امامت است که اینچنین به خود جرأت داده‌اند و دعوی ولایت می‌کنند.

از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که چون حضرت سید الشهداء علیه السلام شهید شدند محمد بن حنفیه که فرزند امیرالمؤمنین بود فرستاد نزد حضرت سجّاد زین العابدین علی بن الحسین و با آن حضرت در مجلسی خلوت کرد و گفت: ای فرزند برادر من، می‌دانی که رسول خدا بعد از خود به امیرالمؤمنین وصیت کرد و سپس به امام حسن و پس از آن به امام حسین علیه السلام، و پدر تو علیه السلام کشته شده و وصیتی نکرده است و من عموی تو هستم و همطراز با پدر تو و من فرزند علی هستم و من با این سن و سابقه‌ای که دارم از تو که نوجوانی، به امر امامت سزاوارترم، بنابراین در امر وصیت و امامت با من نزاع مکن و احتجاج منما. حضرت سجّاد علیه السلام فرمود:

يَا عَمُّ أَتَىٰ اللَّهُ وَلَا تَدَّعِ مَا لَيْسَ لَكَ بِحَقٍّ، اِنِّي اعِظُكَ اَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.

«ای عمو جان از خدا بپرهیز و دنبال مقامی که شایسته تو نیست مرو، من به تو پند و اندرز می‌دهم که مبادا از جاهلین باشی.»

پدر من قبل از آنکه متوجّه به سوی عراق شود به من وصیت کرد، و در امر امامت از من پیمان گرفت قبل از یک ساعت که در کربلا کشته شود، و اینک اسلحه رسول خدا که علامت امامت است در نزد من است، متعرض این مقام مشو؛ می‌ترسم که بدین سبب عمرت کوتاه و حالت تباه گردد. خداوند تعالی امامت را در اولاد حضرت حسین قرار داده است؛ و اگر می‌خواهی یقین پیدا کنی بیا با هم برویم نزد حَجَرِ الاسود و او را حکم قرار داده و از او سؤال کنیم.

حضرت باقر فرمودند: این کلام بین آنها در مکه واقع شد. پس هر دو آمدند به سوی حَجَرِ الاسود، حضرت سجّاد علیه السلام به محمد بن حنفیه گفتند: ابتدا کن به تضرّع و ابتهال به سوی خداوند و بخواه که حَجَرِ الاسود را برای تو به گفتار درآورد و سپس از حجر الاسود سؤال کن. محمد بن حنفیه ابتهال و تضرّع کرد و از خدا خواست و سپس از حَجَرِ سؤال کرد و پاسخی نشنید. حضرت سجّاد فرمود: ای عمو جان اگر تو امام و وصی بودی هر آینه حَجَرِ پاسخ تو را می‌داد. محمد گفت: تو ای برادرزاده بخوان خدا را و دعا کن و از

^۱ سوره الاعراف، آیه ۴۰

حَجْرَ سؤال کن. حضرت سجّاد خواندند خدای عزّ و جلّ را آن مقداری که خواستند و سپس گفتند: ای حَجْر تو را سوگند می‌دهم به آن خدایی که در تو میثاق انبیاء و میثاق اوصیاء و میثاق جمیع خلایق را قرار داده است اینکه بگویی وصی و امام بعد از حسین بن علی کیست؟ گفت: که حَجْر به حرکت آمد به طوری که نزدیک بود از جای خود بیفتد و خداوند به زبان عربی فصیح او را به سخن درآورد و گفت: وصیت و امامت بعد از حسین بن علی علیهما السّلام برای علی بن الحسین بن فاطمة بنت رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم است. در این حال محمد بن حنفیه مراجعت نمود در حالی که ولایت حضرت سجّاد را پذیرفت و به عهده گرفت.^۱ باری امام دارای خصوصیات است که در دیگری نیست گرچه عمرش کمتر باشد. دانه در گرچه قیمتی است ولی قابل قیاس با دانه الماس و برلیان نیست، یک دانه الماس ممکن است چندین هزار برابر از دانه ذرّ قیمت داشته باشد. عقیق یمانی و عقیق هندی هر دو عقیق است ولی این کجا و آن کجا؟! محمّد بن حنفیه و زید بن علی بن الحسین دارای مقاماتی بس ارجمند و سوابقی در راه خدمت، و فکری عالی دارند ولی ابداً قابل قیاس با مقام و درجه امام نیستند.^۲

^۱ مدارک الاحکام، ص ۴۶۱ و ۴۶۲؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۱۸.

^۲ امام شناسی، ج ۳، ص ۳۷.